

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۲ مرداد ۹۱

درس هفدهم

۱۳ رمضان ۱۴۳۳

حمدِ مخلوقات عالم آنگاه که به آنان فرمان داده شد تا موجودیت یابند، در ضربان حیاتشان به ثبت رسید و نام پروردگارشان ضامن آغازی پر رمز و راز گردید؛ زمین و آسمان در جای خویش اعلام موجودیت نمود و آماده‌ی پرورشی شگفت‌انگیز. آسمان، دل خویش را صندوقچه‌ی اسرار بندگان نمود و زمین، جانسان را در خاکش به غنیمت شمرد. دستان ضعیف و لرزان بنده، بر آستان کبریایی خالقش نقشی زیبا را ترسیم کرد؛ ملکوتیان به استقبالش آمدند؛ از او سؤال کردند: در اندیشه‌ی کدام فرمان، بر خود می‌پیچی و این‌گونه به تضرع و زاری نشسته‌ای؟ و پاسخی که درک می‌کنند معمای است که نامش در ضمیر جانسان به‌عنوان مخلوق می‌شناسند. صف در صف به تماشایش می‌نشینند؛ از خود می‌پرسند: این همان است که صندوقچه‌ی اسرارش را جز خالقمان نگشاید و بر کلید جانسان کسی دست نیابد؛ چه خلقت با عظمتی! کیست که در برابر این اراده‌ی خالق به خاک در نیفتد و تسلیم امرش نشود؟ جانی عاشق پا بر عرصه‌ی زمین می‌گذارد، زبانش از کام جدا می‌شود: یا رب، به جان سوخته از هجرانت ترحم کن. گوشش ندای پروردگارش را می‌شنود که او را به وصلش مژده می‌دهد؛ دلش گلستانی را ترسیم می‌کند که خزانی را نمی‌شناسد.

مجموعه‌ای که خود را در قالب عبد، به پروردگارش عرضه می‌کند؛ نهال جانسان نیاز به مراقبت از آفاتی دارد که از هسته‌ی خلقت، در جانسان به ودیعه نهاده‌اند؛ نفس اماره‌ای که جای پایش سقوط از فضایل الهی بود با ریشه‌ی او درآمیخته و در صدد سرنگونی نهالی است که در وصفش خالقش فرمود: تبارک الله احسن الخالقین.

اینک با کدامین سلاح از این جنگ خاتمان برانداز بیرون آید؟ راهش مشخص شده و سلاحش آشکار گردیده؛ باید برای مبارزه آماده شود؛ راه جنگیدن را خالقش به او آموخته؛ به میدان می‌آید؛ تیغ عقل را از جایگاهش خارج می‌کند و بر فرق جهل

می‌کوبد تا ریشه‌اش را از چنگال آفاتی که به آن گرفتار شده برهاند؛ اتصالات باطل را قطع می‌کند و به حیاتش نجات را مژده می‌دهد. رشد کرده، درختی تنومند می‌شود؛ تماشاچیان، از زیبایی‌اش به وجد می‌آیند و به خالقش درود می‌فرستند. اینک به سؤالی پیچیده‌تر می‌اندیشم. آیا خود را یافته‌ام؟ اگر دانستم نامم چیست آفت جانم را درمان کرده‌ام و در شناسنامه‌ی جانم نشانی از او باقی نگذاشته‌ام و اگر بیماریم جهلی است که به تمام اندام‌ها ریشه دوانده و معالجه را مشکل کرده امید به نجات، اولین قدم است که ضعف را درمان می‌کند.

پس جانتان را از این بستر متعفن جدا کنید تا برکت را بشناسید. آیا توانش را دارید؟ اگر توانستید همانند قطرات بارانی شوید که برکت را مژده می‌دهد، در مباحث آینده با ما همراه شوید و اگر از این فرمان، دور افتادید همانند بیماری که بسترش را به جای صحت و سلامتی برگزیده همواره بیمار و رنجور در جای خود ساکن می‌مانید تا به مرگی که خود برگزیده‌اید بمیرید.

پروردگار عالم به مخلوقاتش وعده فرموده: ای بندگان من، از آنچه برایتان فرو فرستادم اطاعت کنید تا رستگار شوید؛ رستگاری برکتی است که خزانه‌ی آن میراث زمین و آسمان است و شکری خالصانه بر درگاه خالق که خلیفه‌اش را میراث بران این برکت عظیم معرفی فرمود.

دستمان را که گیرنده‌ی مائده‌های آسمانی است به درگاهش می‌گشاییم و با تضرع اعلام می‌داریم:

اللهم عجل لولیک الفرّج